

بررسی تطبیقی اخلاق کشاورزی در اسلام و غرب

علی رضائی^۱ / سید محمود نبویان^۲

چکیده

این نوشتار، با رویکرد تحلیلی و بررسی اسنادی به بررسی مسائلی می‌پردازد که از نظر اخلاقی در حوزه کشاورزی، به ویژه کشاورزی صنعتی مطرح است. پس از تعریفی کوتاه درباره اخلاق کاربردی و اخلاق کشاورزی، به روابط چهارگانه انسان با خدا، انسان با خود، انسان با جامعه و انسان با طبیعت اشاره شده است. در ادامه، با بیان جایگاه و اهمیت کشاورزی در جوامع امروزی، به برخی نارسایی‌ها و «مسائلی» اشاره می‌شود. که کشاورزی صنعتی امروزی به وجود آورده است. در پایان، به صورت تطبیقی و از منظر اخلاقی مسائل و مشکلات کشاورزی در اسلام و غرب مورد بازکاوی و بررسی قرار گرفته است. کلیدواژه‌ها: اخلاق، اخلاق کاربردی، اخلاق کشاورزی، کشاورزی صنعتی.

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه، دانشجوی دکتری مبانی نظری اسلام. دریافت: ۸۸/۵/۵ - پذیرش: ۸۸/۱۰/۵

۲. استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)

طرح مسئله

مسئله کشاورزی از امور با اهمیت در اسلام است. آیات و روایات فراوانی دربارهٔ زراعت و کشاورزی وجود دارد که بیانگر نقش حیاتی آن در زندگی آدمیان است. قرآن کریم انسان‌ها را به کار و تلاش بر روی زمین، و عمران و آبادانی آن دعوت می‌کند و راه کسب رزق حلال را کشت‌وکار و تولید دانسته، در آیات متعددی اشاره دارد که ابر و باد و مه و خورشید و فلک، همه و همه موظفند تا به انسان در این هدف مقدس یاری رسانند.^۱

در این میان، با ظهور مدرنیته و عصر ماشین و صنعتی شدن کشاورزی، پرسش‌هایی به وجود می‌آید که در گذشته چندان مسئله نبوده است؛ در ذیل به برخی از این پرسش‌ها اشاره می‌شود:

۱. با توجه به تأثیر منفی کشاورزی مدرن بر شرایط محیط زیست، این مسئله از نظر اخلاقی چگونه ارزیابی می‌شود؟
۲. آیا دخالت انسان در طبیعت خدادادی جایز است؟
۳. آیا کشاورزی صنعتی که مستلزم کاستن از فرصت استخدام نیروی کار و درآمدها می‌باشد، جایز است؟
۴. از نظر اخلاقی، استفاده از مواد شیمیایی سرطان‌زا چگونه است؟
۵. با توجه به اینکه بیشتر انسان‌ها می‌توانند تنها از طریق خوردن دانه‌ها، دانه‌های روغنی (مثل آجیل) و حبوبات و محصولات سبزیجات که از گیاهان مرده یا رو به موت برداشت می‌شوند تغذیه کرده و ادامهٔ حیات دهند، و نیز با توجه به این پیش‌فرض که تمام موجودات زنده سزاوار احترام‌اند، آیا کشاورزی که به روشنی موجب از میان رفتن گیاهان و حیوانات می‌شود، از نظر اخلاقی جایز است؟^۲

نظر اسلام درباره این مسائل فوق چیست؟ در این نوشتار به اختصار به بررسی برخی از این مسائل می‌پردازیم.

اخلاق کشاورزی

اخلاق کشاورزی، مطالعه مسائل اخلاقی برآمده از کشاورزی است. این مسائل عبارت‌اند از: مداخله انسان در مسیر طبیعت، تأثیرات پاره‌ای از اعمال کشاورزی بر شرایط موجود اجتماعی و بر شرایطی که نسل‌های آینده در آن زندگی خواهند کرد و ارزش یا فضیلت کشاورزی به مثابه یک فعالیت انسانی بالذات.^۳

روابط چهارگانه انسان

مجموعه روابط انسان را می‌توان در چهار رابطه تحلیل کرد:^۴

۱. رابطه انسان با خدا؛

۲. رابطه انسان با خود؛

۳. رابطه انسان با طبیعت؛

۴. رابطه انسان با جامعه.

با توجه به اینکه بررسی و پاسخ به پرسش‌های بالا بر شناخت روابط گوناگون انسان مبتنی است، ابتدا به‌طور مختصر نگاهی به این روابط چهارگانه خواهیم داشت. در نگاه دینی، تنظیم روابط چهارگانه مذکور، تنها در صلاحیت خدای متعال است؛ زیرا کسی می‌تواند برای انسان برنامه جامع و کامل تدوین کند که او را بشناسد، از ابعاد وجودی او آگاه باشد و نیازها و استعدادهايش را بداند و... بدیهی است جز خدای متعال، کسی چنین شناخت دقیقی از انسان ندارد و تجربه جوامع بشری نیز به‌خوبی گواه بر این امر است که هر جا انسان خود قدم پیش نهاد و مستقل از وحی دست به وضع قانون و تدوین برنامه زندگی زد،

نتایج مخرب و ویرانگرش نمایان شده، به شکست انجامیده است. به تعبیر دیگر، تنها کسی حق وضع قانون برای انسان را دارد که دارای صفات زیر باشد:

۱. انسان‌شناس کامل باشد؛ به گونه‌ای که تمام ویژگی‌های او را از نظر جسم و جان بشناسد؛ از تمام اسرار وجود انسان، عواطف، امیال، غرایز، شهوات، هوس‌ها و مسائل فطری او با خبر باشد و هیچ چیز در ساختار وجود انسان بر او مخفی نماند؛

۲. از تمام آثار اشیای جهان و خواص و ویژگی‌های آنها از نظر هماهنگی و ناهماهنگی با وجود انسان با خبر باشد و دقیقاً مصالح و مفاسد تمام اعمال و کارهای فردی و اجتماعی و پیامدهای آنها را بداند؛

۳. از تمام حوادث پیش‌روی مؤثر در سرنوشت انسان، آگاه باشد؛

۴. باید از هر لغزش، گناه، خطا و اشتباهی به دور باشد و در عین دلسوزی و مهربانی، اراده‌ای قوی و با شهامت داشته باشد و از هیچ قدرتی در اجتماع نهراسد؛

۵. هیچ‌گونه منفعی در اجتماع بشریت نداشته باشد تا هنگام تنظیم قوانین - آگاهانه یا نا آگاهانه - متوجه جهتی که حافظ منافع شخص اوست نشده، مصالح جامعه را فدای منافع خودش نکند.^۵ به راستی، چه کسی جز خدای متعال که آگاه به پیدا و نهان، گذشته و حال و آینده و ... است، چنین صفات و صلاحیتی را دارد. پس روابط چهارگانه مذکور را نیز خدا تعیین می‌کند. عمده روابط انسان با خدا در مراتب مختلف توحید متبلور است.

رابطه انسان با خدا، مهم‌ترین رابطه انسان است؛ به گونه‌ای که سایر روابط انسان‌ها باید بر اساس این رابطه تنظیم شود. اصل مهم در این رابطه، همان اساس دعوت انبیا است. دعوت انبیای الهی بر محور «توحید» است که شامل توحید در ذات، توحید در خالقیت، توحید در ربوبیت، توحید در عبادت، توحید در

اطاعت، توحید در تقنین و تشریح و... می‌شود. از این‌رو، انسان باید خود را به معنای واقعی کلمه «عبد» خدا بداند و در تمام شئون، عبودیت و بندگی خویش را نشان دهد.

در رابطه انسان با خود نیز توجه به دو بعدی بودن وجود انسان، اصالت و ابدیت روح، عبودیت انسان، کمال و سعادت نهایی انسان که همان قرب به خدای متعال است، و نقش ایمان و عمل صالح و تقوای الهی برای نیل به این کمال و سعادت، باید مورد توجه قرار گیرد.

در رابطه انسان با طبیعت نیز باید به اصولی چون آیت و نشانه خدا بودن طبیعت و زمین، مسخر انسان کردن طبیعت توسط خدای متعال، لزوم عمارت و آبادانی زمین، مطلوبیت استفاده از زینت‌های طبیعی، منع اسراف و تبذیر، منع دنیاپرستی و عشق به زخارف مادی و... توجه کرد.

نکته قابل توجه این است که در رابطه انسان با طبیعت، باید نسبت این دو را در رابطه‌شان با خدای متعال سنجید. بدین معنا که انسان و طبیعت وابسته به خدا، و مخلوق و مملوک او هستند؛ این وابستگی و تعلق که از علیت و خلقت خدای متعال نسبت به آنها حاصل شده است، به مالکیت تام الهی منجر می‌شود. از این‌رو، تنها خدای متعال عهده‌دار تدبیر و تقدیر عالم خواهد بود و این همان معنای مالکیت تام خداست. از طرف دیگر، در جهان‌بینی الهی، انسان حتی مالک هستی خویش نیز نیست و تنها امانت‌دار خداوند است. حال اگر انسان نسبت به اعضا و جوارح خویش مالکیت ندارد، وضع او نسبت به دیگر موجودات و اشیا به طریق اولی مشخص است. او هرگز مالکیتی نسبت به آنها ندارد و همه آنها امانت‌های الهی در دست انسان می‌باشد. بنابراین، نمی‌تواند برای بهره‌مندی افسارگسیخته از طبیعت، هرگونه تصرفی در آن داشته باشد. عقل نیز چنین حکم می‌کند که اگر کسی بخواهد در ملک دیگران تصرف کند، باید از مالک اجازه

بگیرد، وگرنه حق تصرف در ملک او را ندارد. بنابراین، انسان امانتدار هویت خویش و دیگر موجودات مانند: کوه‌ها، دریاها، جنگل‌ها، مراتع، منابع طبیعی و ... است و برای برقراری ارتباط و استفاده از آنها، باید از مالک حقیقی آنها - یعنی خدای متعال - اجازه بگیرد. اذن پروردگار نیز در گرو تبعیت از اوامر و نواهی الهی است که توسط انبیا و رسولان الهی در قالب «دین» ارائه و تبیین شده از این‌روی، هرگونه تصرف در خود یا دیگران، به اذن دین منوط بوده، و باید در چارچوبی که دین تعیین می‌کند انجام گیرد.

در رابطه انسان با جامعه نیز باید به برخی امور توجه کرد؛ مانند سنت‌های الهی در تدبیر جوامع و انسان‌ها، جامعه آرمانی اسلامی، رشد فرهنگی و اقتصادی جامعه، رشد حقوقی، داخلی، بین‌المللی و

اهمیت کشاورزی

از دیدگاه سقراط، کشاورزی بهترین کار و بهترین نوع دانش است، که به وسیله آن انسان‌ها خود را به همراه اشیاء لازم عرضه می‌کنند. در حالی که برخی معتقدند ده هزار سال گذشته کشاورزی، ناگزیر به تخریب مصیبت‌بار و برگشت‌ناپذیر محیطی منجر شده است. بسیاری همراه با سقراط تأکید می‌کنند که هیچ کار یا دانشی بهتر از کشاورزی وجود ندارد.

شاید کشاورزی به این دلیل بهترین نوع دانش دانسته شده که عقلاً با بدن و جسم انسان ارتباط بی‌همتا دارد. چنان‌که برخی محققان اظهار می‌دارند، کشاورزان، منافع حیات را دریافت می‌کنند... آنان طول عمر و قابلیت اعتماد منابع غذایی، هم از لحاظ طبیعی و هم از لحاظ فرهنگی را به دست می‌آورند. در یک مزرعه، پاسخ مناسب به فریاد روحی درباره ارضاء صحیح نیاز جسمی داده می‌شود. کشاورزی می‌تواند یک فریاد فضیلت‌محور باشد؛ یک هنر با پاداش‌های

ذاتی خودش. از طرف دیگر، وقتی یک ملت بی‌زمین می‌شود یا از ابزارهایی که نیازهای اساسی جسمانی‌شان با آنها تأمین می‌شود، گسسته می‌شود، در واقع چنین ملتی نه تنها از بهترین نوع کار، بلکه از بهترین نوع دانش نیز محروم می‌شود.^۶

کشاورزی صنعتی و مدرن

یکی از دغدغه‌های کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته، دربارهٔ عدالت در زمین‌های کشاورزی و نحوهٔ توزیع غذا است. بیشتر جمعیت فقیر جهان، مزرعه‌داران کوچک و اجاره‌نشین‌ها هستند. برای افزایش سطح زندگی این کشاورزان، دولت‌های بسیاری از کشورهای در حال توسعه، در دههٔ ۱۹۷۰، سیاست صنعتی‌سازی کشاورزی را پذیرفته‌اند و کشاورزان خویش را تشویق می‌کنند که مدل‌های کشاورزان بزرگ و موفق در کشورهای توسعه‌یافته را پیروی کنند.

طی انقلاب سبز در دهه ۱۹۶۰-۱۹۷۰، کشورهایی همچون هند، کاستاریکا و نیجریه، کارآیی و بازده کشاورزان خود را از راه استقراض پول از آژانس‌های وام‌دهی بین‌المللی مانند بانک جهانی توسعه دادند. همچنین، صندوق‌ها برای توسعه دادن به اعتبار کشاورزان به کار گرفته شدند. آنها به کشاورزان آموخته بودند که دانه‌های گوناگون پرمحصول (مانند برنج، گندم، ذرت) را خریداری کنند. استفاده از فناوری‌های لازم برای کاربرد ابزارهای مکانیکی (تراکتور) و ترکیبات شیمیایی (علف‌کش‌ها و حشره‌کش‌ها) را فراگرفته بودند. از این‌روی، بسیاری از کشاورزان رشد کردند و ملتهایی که زمانی غلات وارد می‌کردند، در زمینهٔ برخی محصولات خودکفا شدند.^۷

به رغم منافی که برای کشاورزی صنعتی ذکر شد، پرسش‌ها و انتقادات

جدی نیز درباره آن مطرح است. از جمله پیامدهای مهم کشاورزی صنعتی را می‌توان نابودی کشاورزی سنتی و فعالیت کشاورزان خرده‌پا و مستقل برشمرد. تغییر اقتصاد مبتنی بر کشاورزی محلی و سنتی به کشاورزی تکنولوژیکی، مستلزم روی آوردن به کشت تک‌محصولی، کودهای شیمیایی، آفت‌کش‌ها و غذاهای دستکاری شده ژنتیکی با همه عوارض مربوطه است؛ این امر سبب شده است میزان قابل توجهی از مزارع سنتی کشاورزی نابود شوند و اقتصاد بسیاری از جوامع محلی از پای درآید.

همچنین این انتقاد مطرح شد که کشاورزی صنعتی، به شکل غیرمنصفانه‌ای از کشاورزان بزرگتر سود می‌برد؛ زیرا آنها در مقایسه با کشاورزان کوچکتر، آسانتر به اعتبارات و زمین‌داری توسعه‌یافته دست می‌یابند. به موازات رشد محصولات و فراوانی محصول، به علت کاهش قیمت آن، درآمد کمتری نصیب کشاورزان شد. کشاورزی صنعتی و مدرن این پرسش جدی را در پی داشته است که آیا فقیران و گرسنگان واقعاً از کشاورزی صنعتی متضرر نمی‌شوند؟ آیا مستأجران و کشاورزان کوچک، به ناحق زمین‌های خود را از دست نمی‌دهند؟ آیا کشاورزی صنعتی موجب کاستن از فرصت‌ها برای استخدام نیروی کار و درآمدها نشده است؟ در کشورهای توسعه‌یافته گفت‌وگو درباره عدالت اجتماعی در کشاورزی، گاهی کانون بحث درباره ساختار صنعت کشاورزی بوده است. برای نمونه، در ایالات متحده این مسئله در قالب تمایل به «نجات مزرعه خانواده» ابراز شد. مزارع خانواده، تجارت شخصی در اندازه متوسط است که خانواده‌ها در آن کار می‌کنند و آن را دوست دارند. این نوع مزرعه، با مزارع کوچکتر تفننی که بیشتر درآمد آنها از فعالیت‌های غیرکشاورزی تأمین می‌شود، و نیز با مزرعه‌های بسیار بزرگتر که اغلب، کارگران ساعتی در آنها کار می‌کنند و دغدغه‌خاطری به آنها ندارند، جابه‌جا شده است. در اینجا مسائلی مورد توجه است؛ مانند آیا کشاورزان

خانواده، بهتر از دیگر کشاورزان زمین‌ها را اداره می‌کنند؟ آیا با حیوانات کشاورزی در مزارع خانواده، انسانی‌تر برخورد می‌شود؟ آیا مزارع کوچک‌تر به اندازه مزارع بزرگتر و صنعتی می‌توانند محصول تولید کنند؟ مسئله دیگر، به نقش حکومت‌ها در کشاورزی مربوط است. آیا سیاست عمومی باید به منافع و یارانه در مزارع متوسط - و نه مزارع بزرگ یا تفننی - معطوف باشد؟ آیا سیاست‌های اینچینی که به تمام مزارع نفع نمی‌رساند، به طور ذاتی ناعادلانه است؟ سرانجام، مسائل عدالت اجتماعی درباره حشره‌کش‌ها، کارگران و تدرستی مصرف‌کنندگان مطرح می‌شود. برای مثال، بر پایه دلایل وجودشناختی، استدلال شده است که کشاورزان اخلاقاً حق استفاده از مواد شیمیایی را که برای مصرف‌کننده‌ها سرطان‌زا است ندارند.^۸

کشاورزی صنعتی و کاستن از فرصت استخدام نیروی کار و درآمدها

یکی از علل عمده فقر در جهان، نبود کار و شغل مناسب است. در این زمینه، کشاورزی می‌تواند عامل نجات‌بخشی برای رهایی ملت‌ها از فقر باشد. اما امروزه در دنیای جدید و به علت اقدامات توسعه‌طلبانه کشورهای صنعتی و قدرت‌مند تحت عنوان «جهانی‌سازی کشاورزی»، میلیون‌ها نفر از کشاورزان در جهان، زمین‌های خود را از دست داده و یا بیکار شده‌اند. برای نمونه، واندا نا شیوا، یکی از سخنرانان کنفرانس «جهانی‌شدن و غذا» درباره کشور هند می‌گوید:

اصلاحات ارضی که بر اساس آن، دارایی زمین تا سقف خاصی محدود شده بود، ملغی گردیده و در ایالت‌های مختلف، به شرکت‌های بزرگ اجازه داده می‌شود برای بازارهای بین‌المللی به تولید محصولات کشاورزی لوکس پردازند. بدین ترتیب، کشاورزان زیادی بیکار گردیده و این شرایط می‌تواند در آینده، وضعیت سیاسی و اجتماعی در شرف انفجاری را به وجود آورد.^۹

وی همچنین با استفاده از مطالعات میدانی نشان داد که چگونه زمین‌های کشاورزی دیروز، که در آن مواد غذایی کشت می‌گردید، به کاشت محصولاتی غیر غذایی نظیر گل یا پرورش غذاهایی لوکس نظیر میگو اختصاص یافته، و بیکاری و فقر بسیاری از کشاورزان را سبب شده است. شبیه این مسئله و به‌طور کلی ناامنی غذایی، در بسیاری از کشورها مانند: مکزیک، اتیوپی، کنیا، کره جنوبی، فیلیپین، انگلستان، ژاپن و... وجود دارد. امروزه، کشاورزان کوچک هزینه بقای شرکت‌های بزرگ غذایی را می‌پردازند و آزادسازی تجاری، به از بین رفتن کشاورزان کوچک در سراسر دنیا منجر شده است. بزرگترین بهانه غرب صنعتی درباره لزوم صنعتی شدن بخش غذا و سلطه شرکت‌های بزرگ بر فعالیت‌های کشاورزی، بهره‌وری اندک کشاورزان کوچک است. در حالی که حتی در گزارش توسعه جهانی نیز پذیرفته شده است که کشاورزان کوچک، بهره‌وری بیشتری در مقایسه با کشاورزان بزرگ دارند. بسیاری از دانشمندان نیز در کنار اشاره به مزایای مزارع کوچک نظیر تنوع زیاد، بهره‌وری بالا و پایداری این مزارع، خاطرنشان می‌کنند مزارع بزرگ که از سوی شرکت‌های بزرگ تجاری اداره می‌شوند، علاوه بر ناکارآمدی و فقدان بهره‌وری، به دلیل استفاده از سیستم‌های صنعتی در بخش مواد غذایی خود، و نیز به سبب منفعت‌جویی این شرکت‌ها و استفاده بیشتر از مواد شیمیایی مانند آفت‌کش‌ها، کودهای شیمیایی و سموم مختلف برای افزایش محصول، ناسالم و خطرناک بوده، سلامت استفاده‌کنندگان را نیز به خطر می‌اندازند.^{۱۰} طرفداران کشاورزی صنعتی، استدلال می‌کنند که با توسل به چنین رویکردی، می‌توان جمعیت رو به گسترش جهان را سیر کرد اما واقعیت آن است که حتی بدون سرمایه‌گذاری جدی در این بخش و با صرف توسل به راه‌کارهای کشاورزی آلی و پرهیز از استفاده از مواد شیمیایی و صنعتی نیز می‌توان بازده محصولات را به شکل چشم‌گیری افزایش داد. برای نمونه، طبق

مطالعه اخیر سازمان غذا و کشاورزی سازمان ملل، محصول سیب‌زمینی بولیوی به دلیل استفاده از این نوع الگوی کشاورزی، از چهار تن در هکتار، به پانزده تن افزایش یافته است؛ در کوبا، میزان برداشت سبزیجات خوراکی، دو برابر شده است؛ در اتیوپی، محصول سیب‌زمینی از شش تن در هکتار، به سی تن رسیده است؛ در کنیا، بازده ذرت از $2\frac{1}{4}$ تن به نه تن و در پاکستان، برداشت انبه از $5/7$ تن به ۲۲ تن در هکتار رسیده است.^{۱۱}

تأثیر برخی اعمال کشاورزی بر شرایط حال و آینده جوامع بشری

یکی از تأثیراتی که کشاورزی صنعتی در دهه‌های اخیر بر زندگی حال و آینده انسان‌ها داشته و خواهد داشت، ایجاد بحران آب شیرین می‌باشد. بر اساس آمارها، اکنون هفتاد درصد آب موجود، در بخش کشاورزی و دامداری مصرف می‌شود. پیش‌بینی‌ها حکایت از آن دارد که در آغاز هزاره سوم، به دلیل افزایش حجم زمین‌های زیر کشت، مصرف آب مورد نیاز برای کشاورزی ۲۵ تا ۳۰٪ افزایش خواهد داشت.^{۱۲} همچنین می‌دانیم که ۹۷ درصد آب‌های شیرین جهان، در سفره‌های زیرزمینی ذخیره شده است؛ اما امروزه گسترش کشاورزی صنعتی و رشد سرسام‌آور آن، به تهدیدی جدی ضد این منابع حیاتی بشر و طبیعت تبدیل شده است. برای نمونه، تنها در کشور هند که از کشاورزی صنعتی بهره می‌برد و سومین تولیدکننده غلات است، تعداد لوله‌کشی‌های مخصوص که در چاه‌ها تعبیه شده است تا آب‌های زیرزمینی را به مزارع منتقل کند، از سه هزار مورد در سال ۱۹۶۰، ناگهان به شش میلیون در سال ۱۹۹۰ افزایش یافت؛ و در حالی که تعداد زمین‌های زراعی استفاده‌کننده از آب‌های سطحی در سال‌های ۱۹۵۰ - ۱۹۸۵ در این کشور دو برابر شده است، اما میزان زمین‌های زراعی که از منابع زیرزمینی بهره می‌جویند، ۱۱۳ برابر شده است.^{۱۳} در صورتی که در بیشتر مناطق دنیا و

حتی در مناطق پر باران، مردم با خشک‌سالی و کمبود آب شیرین مواجه‌اند؛ به گونه‌ای که بر اساس گزارش‌ها، هم‌اینک یک میلیارد نفر از ساکنان زمین به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند و طبق گزارش جدید سازمان ملل، نه نفت، بلکه آب دلیل جنگ‌های آینده خواهد بود.^{۱۴} در چنین وضعیتی، صرف حجم وسیعی از آبها برای کشاورزی چگونه خواهد بود؟ در صورت پاسخ منفی به این پرسش، با گرسنگی جمع زیادی از جمعیت جهان چه باید کرد؟ به تعبیر دیگر، یکی از وظایف اساسی متناسب با دیگر حقوق اخلاقی، تلاش برای تغذیه و سیر کردن جهان گرسنه است. رها کردن و دست‌شستن از زراعت، به ناکامی در اجرای این وظیفه منجر خواهد شد.^{۱۵}

به نظر می‌رسد مشکل کمبود آب، از عوامل دیگری ناشی می‌شود. تبدیل مناطق سرسبز به بیابان بر اثر تخریب جنگل‌ها، آسیب رسیدن به منابع آب به سبب فقدان پوشش‌های جنگلی، که در نتیجه آن بارندگی‌ها خاک‌های سطحی را نابود می‌کند، اسراف و استفاده نادرست از آب که محصول صنعت و تکنولوژی جدید است،^{۱۶} و... از جمله این عوامل است.

استفاده از مواد شیمیایی سرطان‌زا: علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

صنعتی شدن در غرب، حتی غذاهای روزمره مردم مثل «نان» را نیز در بر گرفته است.^{۱۷} ساتیش کومار^{۱۸} نویسنده و سردبیر نشریه «Resurgence» در مقاله‌ای با عنوان «در حسرت نان سالم»، به این مسئله اشاره دارد. از نظر ایشان، نان تازه و کاملی که در گذشته در منازل و یا نانوایی‌های سنتی محلی تولید می‌شد، نه تنها از درصد ابتلا به سرطان می‌کاست، بلکه با کاهش میزان بیماری‌های قلبی همراه بود؛ افزون بر این، مردم مجبور نبودند هزینه‌های سرسام‌آور درمان این بیماری‌ها را پردازند؛ میزان افسردگی نیز بسیار کمتر بود و شور و شوق فراوانی در زندگی

حاکم بود. اما امروزه نان‌های صنعتی، محصول شرکت‌هایی است که با تولید گندم‌های دست‌کاری‌شده ژنتیکی و با کنار زدن آردهای طبیعی، از آردهای سفید فاقد سبوس و حاوی دی‌اکسید کلر، که ماده‌ای سمی است، استفاده می‌کنند.^{۱۹}

همچنین استفاده از آفت‌کش‌ها، علف‌کش‌ها، هورمون‌ها و آنتی‌بیوتیک‌ها در محصولات کشاورزی صنعتی و مشخص شدن اثرات زیانبار این محصولات در سایه پژوهش‌های انجام‌گرفته، نگرانی خانواده‌ها را موجب شده است. در این تحقیقات، به سطح سموم آفت‌کش شیمیایی موجود در میوه‌ها و سبزیجات موجود در بازار نیز اشاره شده است. برای نمونه، می‌توان به پژوهش‌های گروه فعالیت‌های زیست‌محیطی EWG، که یکی از گروه‌های فعال اجتماعی در شهر واشنگتن است اشاره کرد که از سوی «وزارت کشاورزی» و «مؤسسه غذا و داروی آمریکا» انتشار یافته است. بر اساس این گزارش، محصولاتی مانند موز، گل کلم، ذرت شیرین، کیوی، انبه، پیاز، خربزه، آناناس و نخودفرنگی شیرین، کمترین سطح، و محصولاتی چون سیب، فلفل، کرفس، گیلاس، شلیل، انگور، هلو، گلابی، سیب‌زمینی، تمشک، اسفناج و توت‌فرنگی، بیشترین سطح از این مواد سمی را دارا هستند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آلودگی زمین

از جمله عوامل مهم آلوده‌کننده زمین، کشاورزی صنعتی است. گسترش کودهای شیمیایی یکی از عواملی است که تخریب و آلودگی خاک‌ها و مزارع کشاورزی را به همراه داشته است. استفاده از علف‌کش‌ها که با هدف رهایی از علف‌های هرز صورت می‌پذیرد، خود از عواملی است که به آلودگی دامن می‌زند. مقاوم شدن گیاهان در برابر آفت‌کش‌ها نیز سبب استفاده از آفت‌کش‌های قوی‌تر و افزایش دامنه آلودگی‌ها شده است.

از مجموع آنچه گفته شد به دست می‌آید که کشاورزی صنعتی مزیت قابل توجهی برای بشریت ندارد؛ جز اینکه منبع درآمد هنگفتی برای برخی از تولیدکنندگان و سرمایه‌داران صنایع ماشین‌آلات کشاورزی و مواد شیمیایی است. به راستی حاصل صنعتی کردن کشاورزی چه بوده است؟ تبلیغاتی که در رواج این صنعت و مصرف بی‌رویه کودهای شیمیایی شده و در پی آن، شعار و وعده «جهان بدون گرسنگی» تا چه میزان عملی شده است؟! آمارهای رسمی و بین‌المللی اعلام می‌کنند که سالانه صدها میلیون نفر در جهان از بی‌غذایی و یا کم‌غذایی و سوء تغذیه می‌میرند. از سوی دیگر، به علت صدمات وارده به محیط زیست، از جمله تخریب مراتع و کشتزارها، بی‌آبی و گسترش صحراها و... - که بخش عمده‌ای از آن محصول ماشینی و صنعتی شدن زندگی انسان است - بخش قابل توجهی از زمین‌های کشاورزی، قابلیت خود را از دست داده‌اند. کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات، دو عامل اصلی شناخته‌شده در تخریب محیط زیست، آلوده کردن آب‌های آشامیدنی، رودخانه‌ها، سواحل دریاها و تولیدات کشاورزی و تهدید کننده حیات برخی از گیاهان و گل‌های وحشی و پرندگان و آبزیان و مضر سلامتی انسان است. از آثار منفی مصرف کودهای شیمیایی در کشاورزی، می‌توان به تغییر یافتن مزه و طعم، و درشت و بی‌قواره شدن میوه‌ها و سایر تولیدات کشاورزی و سیفی‌کاری‌ها اشاره کرد. بر اساس گزارش‌های سازمان بهداشت جهانی، سالانه صدها هزار سمپاش در سراسر جهان، بر اثر سمپاشی جان خود را از دست می‌دهند و یا آسیب جدی می‌بینند؛^{۲۱} در حالی که امکان استفاده از کودهای طبیعی و حیوانی، که این پیامدهای منفی را نیز ندارند، وجود دارد. همچنین از دیگر مضرات کشاورزی صنعتی، کاهش شدید در به کارگیری نیروی انسانی و در نتیجه کمک به افزایش بیکاری و ترک روستاها توسط کشاورزان و هجوم به شهرها با همه پیامدهای منفی آن است. در بحث

پرورش دام و مرغداری‌ها نیز وضعیت بهتر از این نیست. نگهداری حیوانات در محیط‌های کوچک برای اینکه تحرک کمتری داشته باشند تا زودتر چاق شوند، نمونه‌ای از آن است. در این گونه دامپروری‌ها و مرغداری‌ها، انواع و اقسام مواد پروتئینی و دارو و آنتی بیوتیک و غیره به دام‌ها و طیور می‌خوراند تا زودتر رشد کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تولید گوشت و تخم مرغ از این طریق، کیفیت پایین دارد و امکان جمع شدن سموم در ماهیچه‌های آنان به علت عدم تحرک کافی وجود دارد که برای سلامتی انسان نیز مناسب نیست.

اگر وضعیت دنیای جدید معلول عواملی باشد، قطعاً یکی از اساسی‌ترین آن‌ها گریز شتابان دنیای غرب از معنویت، از زمان رنسانس به بعد و تفکیک میان علوم و معنویات، ارزش‌ها و اخلاق، و سرانجام پیروی بشر جدید غربی از مکتب‌های ساخته دست بشر نظیر مکتب اصالت ماده، مکتب اصالت سود و لذت، مکتب اصالت علم و ... است. برای چنین انسانی که از مقام انسانیت و خلیفه‌اللهی تا حد یک میمون تنزل یافته، هدف تنها سودجویی و لذت‌پرستی مطلق و بی‌محاسبه - حتی به قیمت نابودی زمین و موجودات دیگر - است. به همین منظور، قدرت‌پرستان برای سلطه بر ناتوانان و تصاحب منابع و منافع زمین، بخش عمده‌ای از منابع مادی و نبوغ بشر را در مسیر جنگ و ساخت سلاح‌های کشتار جمعی هدر داده‌اند. نگاه آنان به طبیعت چنان است که گویی می‌توان آن را به میل خود در اختیار گرفت و به یاری آن، نیازها، جاه‌طلبی‌ها و هوی و هوس‌های خویش را برآورده ساخت. آری! اگر رابطه طبیعت با خالق هستی نادیده انگاشته شد و از حالت قدسی تهی گردید، چنان از آن بهره‌برداری می‌شود که نظم و هماهنگی‌اش را از میان می‌برد. مسئله در استفاده یا عدم استفاده از طبیعت خدادادی نیست، بلکه مشکل این است که بشر امروز با استفاده از الگوهای توسعه تخریب‌گر خود و با حرص و آز در غارت منابع طبیعت، به جنگ با

طبیعت آمده است؛ جنگی که فرجام آن نابودی بشریت و همه موجودات زنده است.

۱. دیدگاه اسلام درباره کشاورزی

حقیقت این است که نوع نگاه اسلام به مسئله کشاورزی و اساساً به طبیعت، با نوع نگاه دنیای مدرن و صنعتی به آن کاملاً متفاوت است. به تعبیر دیگر، در مبانی بحث با یکدیگر ناسازگارند. در ادامه، به اختصار به برخی از این مبانی اشاره می‌کنیم:

۱-۲. عناصر مبنایی نگاه اسلام به طبیعت

۱-۱-۲. خدا خالق انسان و عالم است

در منطق اسلام، عالم و طبیعت مخلوق خدای متعال و آیتی از آیات الهی است. مشاهده مطالعه طبیعت و تفکر در آن، انسان را به سوی خالق یکتا رهنمون می‌سازد. شاید یکی از اسرار تأکید متون دینی بر این مطالعه و تدبر و تعمق، این باشد که طبیعت نمایانگر خالق خویش است. از این روی، خداوند در قرآن کریم درباره اسرار آفرینش و نشانه‌های خویش در عالم می‌فرماید: «اینها نشانه‌هایی است برای کسانی که می‌شنوند»؛^{۲۲} «برای آنها که تفکر می‌کنند»؛^{۲۳} «برای صاحبان مغز»؛^{۲۴} «آیا با چشم بصیرت نمی‌نگرید؟»^{۲۵}

بنابراین اگر انسان چشمی بینا، گوشی شنوا، فکری بیدار و دلی هوشیار و روحی آماده پذیرش و تشنه حقایق داشته باشد، می‌تواند از طریق مطالعه طبیعت به خالق آن پی ببرد. قرآن درباره کسانی که چنین بهره‌ای نمی‌برند می‌فرماید:

«وَ كَأَيِّنْ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ» (یوسف: ۱۰۵)؛ و (این مردم بی‌خرد) چه بسیار بر آیات و نشانه‌های قدرت حق در آسمانها و زمین می‌گذرند و از آن روی می‌گردانند.

۲-۱-۲. جایگاه انسان در عالم از منظر اسلام و نحوه تعامل او با طبیعت

دنیای جدید، تا حدود زیادی متأثر از عدم شناخت صحیح انسان و ابعاد وجودی وی است. این کج فهمی، زمینه انحطاط جوامع غربی و بلکه بشریت امروز را سبب شده است؛ از این روی، ناچاریم بر نظر اسلام در معرفی حقیقت انسان تأکید کرده، قدری بیشتر درنگ کنیم. از منظر قرآن، انسان مرکب از جسم و روح است^{۲۶} و وجود روح نادیدنی نه تنها قطعی و ثابت، بلکه قوام انسان و انسانیت وی به وجود آن است. آن چیزی که «من» واقعی و حقیقی انسان است، همان روح اوست و جسم برای او نقش مرکب و ابزار دارد. در مسأله دوگانگی روح و جسم، و اینکه بعدی غیر مادی به نام روح در انسان وجود دارد قرآن می‌فرماید:

«ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ» (سجده: ۹)؛ سپس آن (نطفه بی جان) را نیکو بیاراست و از روح (قدسی الهی) خود در آن بدمید، و شما را دارای گوش و چشم‌ها و قلب‌ها (با حس و هوش) گردانید، باز بسیار اندک شکر و سپاسگزاری نعمتهای حق می‌کنید.

در بینش اسلامی، روح متمایز از بدن است، اما تأثیر متقابلی میان این دو وجود دارد. از طرف دیگر، روح تمام حقیقت انسان را تشکیل می‌دهد؛ به گونه‌ای که می‌توان از منظر قرآنی، شخصیت انسان را همان روح او دانست. این حقیقت در این آیه به خوبی بیان شده است:

«قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ» (سجده: ۱۱)
بگو فرشته مرگ که مأمور قبض روح شماست، جان شما را خواهد گرفت و پس از مرگ به سوی خدای خود بازگردانیده می‌شوید.

روح در هنگام مرگ از بدن گرفته می‌شود، در حالی که بدن به حال خود باقی است و چیزی از آن کم نمی‌شود.^{۲۷} البته آنچه هنگام وفات تماماً گرفته می‌شود، روح است نه بدن؛ زیرا خطاب «کم» در «يَتَوَفَّاكُم»، خطاب به حقیقت انسان است

که عبارت از روح و جان و نفس اوست و بدن غیر از آن بوده و در وجود و شخصیتش تابع روح است. این آیه از روشن‌ترین آیاتی است که بر تجرد نفس و دوگانگی نفس و بدن دلالت می‌کند؛ به گونه‌ای که نفس و روح، نه جزو بدن است و نه حالتی از حالات آن.^{۲۸} از آنچه بیان شد به دست می‌آید که انسان نه تنها، منحصر در جسم مادی نیست؛ بلکه اساساً انسان این جسم مادی نیست. حقیقت انسان روح الهی است که از جانب او در این بدن مادی و فانی دمیده شده است و با فناى بدن نیز باقى می‌ماند و قوام انسان و ایستایی قیامت و حیات ابدی او به آن وابسته است.

۱-۲. آزادی انسان در بهره‌برداری از طبیعت؛ حدود و شرایط

آیا انسان مجاز است از زمین و طبیعت به طور نامحدود و بی‌قید و شرط بهره‌برداری کند؟ دانستیم که از منظر اسلامی، انسان خلیفه خدا روی زمین (بقره: ۳۰) و البته بنده اوست. و این دو وجه، با یکدیگر فطرت انسان را می‌سازد. انسان در مقام «عبد» خدا بودن، باید مطیع مشیت او باشد، اما در مقام خلیفه‌اللّهی باید فعال باشد. انسان در این مقام، پل میان مُلک و ملکوت، و واسطه و ابزاری است که مشیت خداوند از طریق او در این جهان تحقق می‌یابد. انسان در اسلام، هم دارای عقل است و هم دل و هم اراده. اندیشه توحیدی، در فطرت وی نهفته است که در عهد اُلت بسته شد؛ چنین اندیشه‌ای، خواست و اراده انسان را تابع اراده و مشیت خداوند قرار می‌دهد و همین مسئله سعادت دنیا و آخرت وی را تضمین می‌کند. علوم برخاسته از چنین اندیشه‌ای نیز در جهت سعادت وی و هموعان و دیگر مخلوقات خواهد بود. از منظر اسلامی، خداوند انسان را از خاک آفرید و آن گاه از روح خود در وی دمید.

اسلام برای انسان کرامت قائل است؛ اما این به معنای تأیید سرشت طغیانگر که در مقابل خدا و دیگر مخلوقات او طغیان کند نیست، بلکه ناشی از آن است که او خلیفه خدا در زمین است و می‌تواند اراده و مشیت الهی را در جهان اجرا کند. انسان قدرت دارد که بر همه مخلوقات دیگر سلطه یابد؛ اما مسئولیت نیز دارد که از همه این مخلوقات مراقبت کند.^{۲۹}

اما انسان غربی با تمدن جدید و مبانی فلسفی محفوف در آن، سرِ جنگ و ناسازگاری با خود، جهان و حتی با طبیعت دارد و برون‌رفت از این وضعیت، جز با تغییر بنیادین در برداشت از ماهیت انسان ممکن نیست. در تمدن سنتی، انسان خلیفه‌الله است و حرمت دارد و در عین حال که بر محیط طبیعی سلطه نامحدود ندارد، در برابر خداوند مسؤول است و.... از این‌روی، قصد جنگ و ستیزه‌جویی با خود و جهان طبیعی نخواهد داشت؛ زیرا هرگز توازن خویش را از دست نمی‌دهد.

بی‌شک، از منظر اسلامی رابطه میان انسان و طبیعت و زمین و نیز حیوانات، دارای حدود و ثغوری است و انسان در این زمینه وظایفی اخلاقی به عهده دارد که بیان خواهد شد.

۴-۱-۲. کشاورزی در اسلام

از امور مقدّس و مورد تأکید اسلام، مسئله کشاورزی است. هم در آیات قرآن و هم در روایات معصومان علیهم السلام بر این امر تأکید شده است. افزون بر همه اینها، سیره عملی بزرگان دین در انجام دادن امور کشاورزی نیز می‌تواند دلیلی بر اهمیت آن باشد. برای نمونه می‌توان از نخلستان‌های امام علی علیه السلام و

کشاورزی امام صادق علیه السلام و... نام برد. قرآن کریم^{۳۰} و روایات فراوانی بر این مسئله تأکید دارند که برای نمونه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

محمد بن عطیه می‌گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

«ان الله عزّ و جل احب لانبیائه من الاعمال الحرث و الرعی لثلاً یکرهوا شیئاً من قطر السماء؛ همانا خداوند در میان کارها، برای انبیای خود کار کشاورزی و دامپروری را برگزید تا از هیچ قطره آسمانی ناخشنود نباشد.»^{۳۱}

در روایات متعدد دیگری نیز کشاورزی، کیمیای بزرگ،^{۳۲} برترین کارها،^{۳۳} حلال‌ترین و پاک‌ترین عمل،^{۳۴} مال و ثروت برتر،^{۳۵} نامیده شده و کشاورزان، گنج‌های مردمان معرفی شده‌اند.

از دیدگاه اسلام، آب، خاک و هوا نیز ارزش زیادی دارند. آب از نعمت‌های بزرگ خداست که حیات تمام موجودات بدان وابسته است. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ؟ و از آب هر چیز زنده‌ای را آفریدیم؟ پس چرا باز (مردم طبیعت و ماده پرست) به خدا ایمان نمی‌آورند.» (انبیاء: ۳۰)

از این‌روی، انسان‌ها موظفند از این نعمت عظیم الهی به طور صحیح استفاده کنند؛ برای مثال، اسراف نکنند و آب‌ها را آلوده نسازند. در روایات نیز بر این مسئله تأکید شده است. در روایتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از بول کردن در آب جاری نهی کردند.^{۳۶} همچنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «وَلَا تُفْسِدْ عَلَى الْقَوْمِ مَاءَهُمْ؛ آب مردم را آلوده نکن.»^{۳۷}

آلودگی هوا نیز از مسائلی می‌باشد که اسلام به شدت از آن نهی کرده است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله حتی از ریختن سم در سرزمین مشرکان نهی فرموده است. از امام صادق علیه السلام نقل است که: پیامبر صلی الله علیه و آله از خوردن

سیر، به خاطر بوی بدش، نهی کرد و سپس فرمود: هر کس سیر بخورد به مسجد وارد نشود.^{۳۸} در روایتی دیگر حضرت علی علیه السلام سفارش فرمود که هر کس چیزی بخورد که بوی بدش مردم را اذیت کند به مسجد نیاید.^{۳۹}

بنابر نظر کارشناسان، آلودگی هوا سه پیامد اصلی «باران اسیدی، تخریب لایه ازن، و گرمای زمین» را در مقیاس بین‌المللی به دنبال داشته است.^{۴۰}

۲-۲. وظایف عملی انسان‌ها در برابر طبیعت و محصولات کشاورزی

۱-۲-۲. مصرف بهینه

از منابع دینی به خوبی استفاده می‌شود که خدای متعال تمام نعمت‌های خود، اعم از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و پوشیدنی‌ها و ... را برای انسان و استفاده او آفریده است:

«أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ (لقمان: ۲۰)؛ آیا شما مردم به حسن مشاهده نمی‌کنید که خدا انواع موجوداتی که در آسمان‌ها و زمین است را برای شما مسخر کرده و نعمت‌های ظاهر و باطن خود را برای شما فراوان فرموده؟ و (با این وجود) برخی از مردم از روی جهل و گمراهی و بی‌خبری از کتاب روشن (حق) در (دین) خدای متعال مجادله می‌کنند».

و نیز:

«وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةٌ وَفَرَشًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (انعام: ۱۴۲)؛ و از بعضی چهارپایان استفاده باربری و سواری کنید. از آنچه روزی شما کرده بخورید و پی اغوای شیطان نروید، که او شما را دشمنی آشکار است».

از آیات و روایات به دست می‌آید که همه دنیا برای انسان و استفاده او خلق شده است و انسان حق دارد از طبیعت و موهبت‌های خدادادی آن بهره‌برد. اما نکته مهمی که متأسفانه انسان غربی از آن غفلت کرده است و همین غفلت موجب پیدایش بحران‌های متعدد در زندگی بشر شده، آن است که این «حق بهره‌مندی»، بی‌حد و حصر و نامحدود نیست. انسان حق دارد از زمین و طبیعت استفاده کند، ولی نه به این شکل که از زمین و موهبت‌های آن به منزله ابزاری برای پاسخ دادن به اشتهای مادی و حیوانی سیری‌ناپذیر خود بهره‌جوید، و نه به قیمت گرسنگی بخش قابل توجهی از انسان‌ها. بنابراین، استفاده بیش از حد از طبیعت به گونه‌ای که موجب محرومیت دیگران شود، جایز نیست. از این‌رو، قرآن تصریح می‌کند که در قیامت از انسان درباره چگونگی بهره‌مندی از نعمت‌ها پرسش خواهد شد:

«ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (تکواثر: ۸)؛ آن گاه در آن روز از نعمتها شما را باز می‌پرسند».

بدیهی است از منظر اسلامی، محدودیتی در تولید نیست، بلکه اسلام همت در تولید، و قناعت در مصرف را توصیه می‌کند. همچنین نباید بهره‌مندی از طبیعت، به آسیب رساندن به نظام طبیعت بینجامد. اسلام برای عملی کردن این امر مهم و بهینه‌سازی مصرف، راه‌کارهای خوبی ارائه کرده است که از جمله آنها می‌توان به «اعتدال در مصرف»،^{۴۱} «عدم اسراف و تبذیر»،^{۴۲} «سپاس‌گذاری و شکر عملی نعمت‌ها»^{۴۳}، و «عدم کفران نعمت»^{۴۴} اشاره کرد.

۲-۲-۲. ضرورت تحصیل و نگهداری آب و هوای سالم و زمین حاصلخیز

اسلام به داشتن آب و هوای سالم برای جامعه و نیز زمین حاصلخیز تأکید دارد. در روایتی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چنین آمده است:

«ثلاث یجلین البصر، النظر إلى الخضره و إلى الماء الجاری و إلى الوجه الحسن؛

سه چیز مایه روشنی دیده‌اند: نگاه به سبزه، به آب روان و به روی نیکو».^{۴۵}

از این روایت به دست می‌آید که روان ساختن جوی صاف و آب پاکیزه و ساختن فضای سبز و بوستان و گلستان، مطلوب اسلام است؛ همچنان که در روایات زیادی بر غرس درخت و درخت‌کاری تأکید شده است.^{۴۶} در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که حضرت فرمود: «زندگی بدون داشتن سه عامل اصلی حیات، گوارا نیست؛ هوای پاک و تمیز، آب فراوان و گوارا، زمین حاصلخیز و قابل کشت و زرع».^{۴۷}

بنابراین، از منظر دینی، اصل هوا، آب و زمین حاصلخیز، امانات الهی برای حیات انسان و موجودات دیگرند. از این‌روی، وظیفه همگان، حفظ و نگهداری این سرمایه‌های حیاتی است؛ باید از آلوده کردن آنها پرهیزیم و در تصفیه آب سالم و پاسداشت هوای پاک به هر شکلی که ممکن است بکوشیم. همچنین لازم است با شناسایی عواملی که حاصل‌خیزی زمین را هدف قرار می‌دهند و نیز با آموزش لازم جهت استفاده صحیح از زمین‌های حاصلخیز و سفره‌های زیرزمینی آب، از این نعمت‌های الهی استفاده بهینه کرده، برای احیا، تسطیح، کویرزدایی و ... زمین گام برداریم.

خلاصه و نتیجه بحث

این نوشتار درصدد بررسی اخلاقی مسائلی از کشاورزی می‌باشد که در دوره جدید و در پی کشاورزی صنعتی به وجود آمده است. گفته شد که برای انسان

چهار نوع رابطه متصور است: رابطه با خدا، رابطه با خود، رابطه با طبیعت و رابطه با جامعه. انسان خلیفه و جانشین خدا در زمین و در عین حال، عبد و بنده اوست. عبد بودن خلیفه اقتضا دارد که اراده معبود را در زمین پیاده کند. و این اراده چیزی جز آبادانی و عمران زمین نیست. انسان اجازه دارد و باید از طبیعت و زمین بهره بجوید، ولی این کامجویی از طبیعت نامحدود و مطلق نیست، بلکه مشروط به شرایطی است. انسان موظف است در عین استفاده از زمین و موهبت‌های الهی آن، از تخریب آن اجتناب جوید؛ طغیان و سرکشی نکند؛ زیاده‌طلب نشود و هدف خود را سیطره بر طبیعت - به هر شکل و به هر قیمت - قرار ندهد؛ به حقوق دیگر موجودات از انسان و غیره احترام بگذارد؛ اسراف نکند و در حقیقت در ملک خدا، آن گونه که او دستور و اجازه داده است، تصرف کند.

در ادامه، به رویکرد انسان جدید و معاصر به کشاورزی صنعتی اشاره شد که با مبانی خاص خود، نظیر نفی خدا و ربوبیت او، سیطره مطلق بر طبیعت و دیگر موجودات، ثروت و لذت به مثابه هدف غایی و ... همراه بوده است. همچنین به بحران‌هایی که این رویکرد ایجاد کرده است، مانند: بحران آب، بحران محیط زیست، گرم شدن هوا، انحطاط اخلاقی و ... اشاره شد. در پایان با توجه به تأکید اسلام بر کشاورزی و لزوم تغذیه مردم از محصولات زمین و طبیعت، به دیدگاه‌ها و داوری اسلام درباره مسائل مورد بحث این نوشتار پرداخته شد.

پی‌نوشت‌ها.....

۱. ر.ک: بقره: ۲۲ / اسراء: ۱۲ / جاثیه: ۱۲ و ۱۳.
2. Gary L. Comstock, Agricultural ethics, Routledge Encyclopedia of philosophy, Vol.1, P.126.
3. Comstock, Ibid, P.126.
۴. برای مطالعه تفصیلی در این زمینه ر.ک: علی رضائی، جامعیت قرآن (پایان‌نامه)، ص ۹۱-۱۸۱.
۵. ناصر مکارم شیرازی با همکاری جمعی از دانشمندان، پیام قرآن، ج ۱۰، ص ۸۹-۹۰.
6. Comstock, Ibid, P.127-128.
7. Comstock, Ibid, P.126-127.
8. Ibid.
۹. شبکه جهان سوم «جهانی شدن کشاورزی و رشد ناامنی غذایی»، سیاحت غرب، ش ۳۲، صص ۱۳۱-۱۳۰.
۱۰. همان، ص ۱۴۰-۱۳۱.
۱۱. پرنس چارلز، «کشاورزی سنتی در چنبره جهانی سازی»، سیاحت غرب، ش ۳۴، ص ۱۱۷.
۱۲. رور جونز، «جهان آینده و عطش آب شیرین»، سیاحت غرب، ش ۴۱، ص ۱۲۳.
۱۳. سامشوار سینگ، «بحران آلودگی سفره‌های زیرزمینی»، سیاحت غرب، ش ۲۱، ص ۱۴۳.
۱۴. رور جونز، «جهان آینده و عطش آب شیرین»، سیاحت غرب، ش ۴۱، ص ۱۲۴.
15. Comstock, Ibid, P.126.
۱۶. برای مثال، شرکت کوکاکولا تنها در سال ۲۰۰۴، ۲۸۳ میلیارد لیتر آب مصرف کرده، و میزان بهره‌وری‌اش از این آب ۱ به ۲/۷ است؛ یعنی به ازای استفاده از ۷/۲ لیتر آب آشامیدنی سالم، یک لیتر فرآورده تولید می‌کند و بقیه آب‌ها صرف شست‌وشوی بطری‌ها، دستگاه‌ها و تجهیزات این شرکت می‌شود. در حالی که در دنیا از هر پنج نفر، یک نفر دسترسی به آب سالم ندارد! (ر.ک: آمیت سرواستاوا، «کوکاکولا از نگاهی دیگر»، سیاحت غرب، ش ۴۰، ص ۱۲۶). به راستی آیا چنین اقدامی از نظر اخلاقی قابل توجیه است!؟
۱۷. برای مطالعه بیشتر ر.ک: پل کروگمن، هراس از خوردن غذا، همان، ش ۵۱، ص ۱۰۸-۱۱۱.
18. Satish kumar.
۱۹. ساتیش کومار، «در حسرت نان سالم»، سیاحت غرب، ش ۳۵، ص ۱۵۳-۱۵۱.
۲۰. لیبی کواپد، «رویکرد والدین به مصرف غذاهای ارگانیک»، سیاحت غرب، ش ۴۶، ص ۱۰۸.
۲۱. ر.ک: منوچهر دبیرسیاقی، در غرب چه می‌گذرد؟، ص ۱۴۸.

۲۲. یونس: ۶۷.
۲۳. رعد: ۳.
۲۴. طه: ۵۴.
۲۵. ذاریات: ۲۱.
۲۶. مؤمنون: ۱۲-۱۶ / سجده: ۱۰-۱۱ / ر.ک: محمدحسین طباطبایی، آغاز پیدایش انسان، ص ۷-۹ / ر. ک: عبدالله جوادی آملی، انسان در اسلام، ص ۳۰-۳۲ / احمد واعظی، انسان از دیدگاه اسلام، ص ۳۶-۳۷.
۲۷. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۱۵۴.
۲۸. محمدحسین طباطبایی، همان، ج ۱۶، ص ۲۵۲ / برای مطالعه بیشتر ر. ک: جعفر سبحانی، اصالت روح از نظر قرآن، ص ۲۵-۳۰ / ر. ک: محمدتقی مصباح، معارف قرآن (خداشناسی - کیهان‌شناسی - انسان‌شناسی)، ص ۳۴۹ - ۳۵۹.
۲۹. ر.ک: سیدحسین نصر، جوان مسلمان و دنیای متجدد، صص ۴۹-۴۴.
۳۰. واقعه: ۶۳.
۳۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۶۵، ح ۸.
۳۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۴.
۳۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ص ۶۹، ح ۲۶.
۳۴. همان، ص ۶۸، ح ۲۴.
۳۵. شیخ صدوق، الامالی، ص ۵۳۰.
۳۶. شیخ طوسی، التهذیب، ج ۱، ص ۳۴.
۳۷. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۶۵.
۳۸. شیخ طوسی، الاستبصار، ج ۴، ص ۹۲.
۳۹. شیخ طوسی، التهذیب، ج ۳، ص ۲۵۵.
۴۰. علیرضا پورخیز، عمده‌ترین آشفته‌گی‌های زیست محیطی قرن حاضر، ص ۱۶.
۴۱. بقره: ۱۴۳.
۴۲. انعام: ۱۴۱ / انبیاء: ۹ / اسراء: ۲۷.
۴۳. ابراهیم: ۷ / آل عمران: ۱۴۴.
۴۴. نحل: ۱۱۲ / ابراهیم: ۲۸.
۴۵. نهج الفصاحه، ج ۱، ص ۲۹۲.
۴۶. برای نمونه ر.ک: نهج الفصاحه، ج ۱، ص ۴۹۷.
۴۷. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۳۴.

منابع

- نهج الفصاحة الحاوی لقصار کلمات الرسول الأکرم صلی الله علیه وآله ، تحقیق غلامحسین مجیدی، تهران، مؤسسه انصاریان، ۱۳۷۹.
- طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶ق.
- طباطبایی، محمدحسین، *آغاز پیدایش انسان*، تهران، بنیاد فرهنگی امام رضا علیه السلام ، ۱۳۶۱.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، نجف، مکتبه الأئمن، ۱۳۷۶ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از نویسندگان، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
- مطهری، مرتضی، *عدل الهی*، تهران، صدرا، ۱۳۷۳.
- رازی، فخرالدین، *مفاتیح الغیب* (التفسیر الکبیر)، استانبول، العامره، ۳۰۷ق.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، *ارشاد الأذهان فی تفسیر القرآن*، بی جا، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۹ق.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی، *تفسیر شریف لاهیجی*، تهران، علمی، ۱۳۸۱ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *جوامع الجامع*، ترجمه ابوالقاسم گرجی، تهران، دانشگاه تهران و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۸-۱۳۶۷.
- سبجانی، جعفر، اصالت روح از نظر قرآن، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام ، ۱۳۷۷.
- مصباح یزدی، محمدتقی، *معارف قرآن (خداشناسی - کیهان شناسی - انسان شناسی)*، قم، مؤسسه در راه حق، ۱۳۶۷.
- جوادی آملی، عبدالله، *انسان در اسلام*، قم، رجا، ۱۳۷۲.
- واعظی، احمد، *انسان در اسلام*، قم، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷.
- جوادی آملی، عبدالله، *اسلام و محیط زیست*، قم، مرکز نشر اسرا، ۱۳۸۶.
- نصر، سیدحسین، *جوان مسلمان و دنیای متجدد*، تهران، طرح نو، ۱۳۷۴.
- الزبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار مکتبه الحیاة، بی تا.
- الجوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح*، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۹۰.
- ابن منظور، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ق.
- الراغب اصفهانی، الحسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، تهران، المکتبه المرتضویه لإحیاء آثار المرتضویه، بی تا.
- ابن مسکویه، *تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق*، قم، بیدار، ۱۳۷۱.
- نراقی، ملامهدی، *جامع السعادات*، قم، اسماعیلیان، بی تا.

- دبیرسیاقی، منوچهر، در غرب چه می‌گذرد؟، قزوین، انتشارات بحرالعلوم، ۱۳۷۵.
- شبکه جهان سوم «جهانی‌شدن کشاورزی و رشد نامنی غذایی»، *سیاحت غرب*، ش ۳۲، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، اسفند ۱۳۸۴.
- لیبی کواید، «رویکرد والدین به مصرف غذاهای ارگانیک»، *سیاحت غرب*، ش ۴۶، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، اردیبهشت ۱۳۸۶.
- کروگمن، پل، «هراس از خوردن غذا»، *سیاحت غرب*، ش ۵۱، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، مهر ۱۳۸۶.
- چارلز، پرنس، «کشاورزی سنتی در چنبره جهانی‌سازی»، *سیاحت غرب*، ش ۳۴، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، اردیبهشت ۱۳۸۵.
- جونز، رور، «جهان آینده و عطش آب شیرین»، *سیاحت غرب*، ش ۴۱، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، آذر ۱۳۸۵.
- سربواستاوا، آمیت، «کوکاکولا از نگاهی دیگر»، *سیاحت غرب*، ش ۴۰، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، آبان ۱۳۸۵.
- کومار، ساتیش، «در حسرت نان سالم»، *سیاحت غرب*، ش ۳۵، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، خرداد ۱۳۸۵.
- سامشوار سینگ، «بحران آلودگی سفره‌های زیر زمینی»، *سیاحت غرب*، ش ۲۱، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، فروردین ۱۳۸۴.
- مکارم شیرازی، ناصر با همکاری جمعی از دانشمندان، *پیام قرآن*، قم، مدرسه الامام علی‌بن ابیطالب علیه‌السلام، ۱۳۷۴.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بیروت، الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- عاملی، شیخ حر، *وسائل الشیعه*، قم، موسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ق.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، قم، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱.
- شیخ صدوق، محمد بن علی، *الامالی*، تهران، انتشارات کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن طوسی، *التهذیب*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- شیخ طوسی، *الاستبصار*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.
- پورخباز، علیرضا و پورخباز، حمیدرضا، *عمده‌ترین آشفته‌گی‌های زیست‌محیطی قرن حاضر*، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱.
- محدث نوری، حسین بن محمدتقی الحرالعاملی، *مستدرک الوسائل*، بیروت، مؤسسه آل‌البیت‌علیهم‌السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۸ق.